



دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

بررسی سعادت و شقاوت نفس از دیدگاه ابن سینا و علامه ی طباطبایی

استاد راهنما:

دکتر حمیدرضا سروریان

استاد مشاور:

دکتر قربانعلی کریم زاده قراملکی

پژوهشگر:

رباب ولی نژاد

شهریور - ۱۳۹۲

صلى الله عليه وسلم

تقدیم به روح پدر بزرگوارم

و

تقدیم به مادر مهربان و همسر صبورم

تقدیر و تشکر :

حال که به یاری خداوند متعال نگارش این پایان نامه به اتمام رسیده است . بر خود لازم می دانم به مصداق « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » . کسی که از بنده ی خدا تشکر نکند در حقیقت شکرگزار خالق نبوده است . از همه ی عزیزانی که به نوعی در این پژوهش با حقیر همکاری داشته اند تشکر و قدردانی نمایم.

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر سروریان که مسئولیت استاد راهنمای این پژوهش را با بزرگواری قابل فرموده اند و همواره از ارشادات ایشان بهره مند بوده ام و اگر همکاری و همفکری ایشان نبود این تحقیق میسر نمی شد صمیمانه تشکر می نمایم .

و از استاد ارجمند جناب آقای دکتر کریم زاده قراملکی که به عنوان استاد مشاور قبول زحمت فرموده اند صمیمانه سپاسگزاری می نمایم و نیز تشکر و قدردانی از تمام اساتید محترم را بر خود ضروری می دانم .

و در پایان از مادر مهربانم که سالیانی در سایبان محبتش بوده ام و از همسر صبورم که زندگی مشترک را ، اما به شیوه ی دانشجویی به نیکی پذیرفتند تقدیر و تشکر می نمایم .

نام خانوادگی دانشجو: ولی نژاد	نام: رباب
عنوان پایان نامه: بررسی سعادت و شقاوت نفس از دیدگاه ابن سینا و علامه طباطبایی	
استاد راهنما: دکتر حمید رضا سروریان	استاد مشاور: دکتر قربانعلی کریم زاده
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فلسفه و کلام اسلامی گرایش: فلسفه اسلامی	
دانشگاه: تبریز دانشکده: الهیات و علوم اسلامی تاریخ فارغ التحصیلی: شهریور ۱۳۹۲	
تعداد صفحه: ۱۳۴	
کلید واژه ها: سعادت، شقاوت، نفس، لذت، الم، کمال، سعادت جسمی و روحانی	
<p>چکیده: یکی از مباحث بنیادی در فلسفه بحث سعادت و شقاوت است هر انسانی فطرتاً طالب سعادت و گریزان از شقاوت است اما شناخت حقیقت سعادت و شقاوت مشکل است بنابراین از جمله نخستین پرسش هایی که برای هر فرد مطرح می شود این است که به راستی سعادت چیست و راه نیل به آن کدام است؟ شقاوت چیست و راه گریز از آن کدام است؟ در این باره نظریه های مختلفی وجود دارد در این پایان نامه کوشش شده تا زوایای مختلف سعادت و شقاوت نفس در عرصه های مختلف دنیا و آخرت از منظر ابن سینا و علامه طباطبایی معرفی شود. ابن سینا سعادت را به مطلوب بالذات و غایت لذت ها تعریف می کند و سعادت انسان را رسیدن به کمال قوه عاقله و اتحاد با عقول مجرد می داند. ایشان در بیان سعادت و شقاوت به سراغ لذت و الم رفته و علامه طباطبایی سعادت را رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی می داند و شقاوت را محرومیت از آن خیرات می داند. از نظر آنها سعادت و شقاوت حقیقی در دنیا قابل حصول نیست و مربوط به آخرت است. بنابر نظر هر دو فیلسوف سعادت ذاتی انسان نیست و باید با سعی و تلاش خود آن را کسب کند. انسان تا در دار دنیا واقع است می تواند خود را از هر مرتبه نقص و شقاوت و نفاق، نجات دهد و به مراتب کمال و سعادت برساند.</p>	

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه

- ۱- تبیین مسأله پژوهشی ۲
- ۲- پیشینه بحث ۳
- ۳- پرسشها و فرضیات تحقیق ۳
- ۴- روش تحقیق ۵
- ۵- بررسی منابع ۵
- ۶- ساختار پایان نامه ۵

فصل اول : معناشناسی سعادت و شقاوت نفس

- ۱- طرح مسئله ۸
- ۲- معنای لغوی و تعریف لفظی نفس ۸
- ۳- نفس در اصطلاح ۹

- ۳-۱) معنای نفس در رهیافت فلسفی..... ۹
- ۳-۲) معنای نفس در رهیافت اخلاقی..... ۱۵
- ۴- معنای لغوی و تعریف لفظی سعادت و شقاوت..... ۱۷
- ۵- سعادت و شقاوت در اصطلاح..... ۱۹
- ۵-۱) سعادت و شقاوت در رهیافت فلسفی..... ۱۹
- ۵-۲) سعادت و شقاوت در رهیافت اخلاقی..... ۲۹
- ۶- نتیجه گیری..... ۳۵

فصل دوم : مبادی تصدیقی بحث

- ۱- طرح مسئله..... ۳۸
- ۲- دو بعدی بودن انسان..... ۳۸
- ۳- اصالت روح در ماهیت انسان..... ۴۱
- ۳-۱) مجرد بودن روح..... ۴۳
- ۴- خلود نفس پس از مرگ..... ۴۵
- ۵- نقش اختیار در سعادت و شقاوت انسان..... ۴۹

۶- نتیجه گیری.....۵۳

فصل سوم : سعادت و شقاوت نفس در آیات و روایات

۱- طرح مسئله.....۵۵

۲- سعادت و شقاوت در رهیافت آیات.....۵۵

۳- سعادت و شقاوت در رهیافت روایات.....۶۲

۳-۱) نشانه های سعادت و شقاوت در روایات.....۶۵

۳-۲) عوامل سعادت و شقاوت در روایات.....۶۶

۴- نتیجه گیری.....۶۹

فصل چهارم : سعادت و شقاوت نفس از دیدگاه ابن سیرا و علامه طباطبایی

۱- طرح مسئله.....۷۱

۲- سعادت و لذت.....۷۱

۲-۱) اقسام و مراتب لذت.....۷۶

۲-۱-۱) لذت و سعادت عقلی.....۷۸

۳- کیفیت لذت و سعادت عقلی.....۸۳

- ۴- لذت و سعادت پس از مرگ..... ۸۶
- ۵- شقاوت و الم..... ۹۱
- ۶- الم و شقاوت پس از مرگ..... ۹۲
- ۷- نتیجه گیری..... ۹۵

فصل پنجم: مسائل مترتب بر سعادت و شقاوت نفس

- ۱- طرح مسئله..... ۹۷
- ۲- سعادت و دین..... ۹۷
- ۳- اعتدال و سعادت..... ۱۰۱
- ۴- سعادت و خیر..... ۱۰۶
- ۵- سعادت و تکمیل قوه نظری و عملی..... ۱۰۷
- ۶- سعادت و کمال..... ۱۰۹
- ۷- دین گریزی و شقاوت..... ۱۱۳
- ۸- ملاک سعادت و شقاوت..... ۱۱۵
- ۹- مقایسه نظرات دو فیلسوف..... ۱۱۸

۱۰- نتیجه گیری..... ۱۲۰

جمع بندی و نتیجه گیری کلی از مباحث..... ۱۲۲

منابع و مأخذ..... ۱۲۴

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُ عُنُقَهُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي

۱- تبیین مسأله پژوهشی

مسأله سعاد و شقاوت یکی از مباحث اساسی است که توجه فیلسوفان را از دیر باز تا زمان حاضر به خود معطوف کرده است . این مسأله نه تنها مورد توجه متفکران بزرگ قدیم مثل سقراط ، افلاطون ، و ارسطو بوده ، بلکه در طی ادوار مختلف تاریخ تفکر بشری تا زمان معاصر به انحاء گوناگون برای شخصیت های مختلف مورد توجه بوده است . نکته ای که ذهن انسان را مشغول ساخته است معنا و مفهوم این دو و به بیان دیگر معیار سعاد و شقاوت است. درباره مسئله سعاد و شقاوت نفس از زوایای مختلف می توان به کندوکاو پرداخت ولی مسأله اصلی این پژوهش تحلیل چیستی سعاد و شقاوت نفس از دیدگاه ابن سینا و علامه طباطبایی است. کلمه سعاد یا خوشبختی در لغت، به نیکبختی و خوش طالعی مورد ترجمه و تفسیر قرار گرفته است. و شقاوت به معنای بد بختی و بد بخت شدن است و یا گفته اند سعاد حالت خیر و فضیلت و صلاح است و شقاوت در مقابل آن یعنی حالت سختی و رنج و زحمت است . ابن سینا در تعریف سعاد و شقاوت می گوید : "ان لكل قوة فعلا هو کمالها و حصول کمالها سعادتها " هر قوه ای فعلیتی دارد که کمال آن است و حصول کمال سعاد آن شیء است . از نظر ابن سینا سعاد، عبارت است از بهره مندی حداکثر لذات در کنار خلاصی از رنج ها می باشد و شقاوت را این گونه تعریف کرده: شقاوت دوری از

شادی ها و لذات از یک سو و مبتلا شدن به آلام و رنج ها از سوی دیگر است ابن سرنجا در مقام بیان سعادت و شقاوت به طور مستقیم به سراغ لذت و الم رفته، سپس به تبیین و تفسیر آن پرداخته است. به نظر علامه طباطبایی سعادت و شقاوت مقابل هم ند، سعادت هر چیزی عبارت است از رسیدنش به خیر وجودیش، تا به وسیله آن، کمال خود را دریافته و در نتیجه متلذذ شود و سعادت در انسان که موجودی است مرکب از روح و بدن، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانیش و متعجم شدن به آن. و شقاوت عبارت است از نداشتن و محرومیت آن.

۲- پیشینه بحث

سعادت و شقاوت موضوعی گسترده است چون ذهن هر انسان خلّاقی را به سوی خود جذب می کند. بنابراین با تفحصی که پیرامون موضوع مورد نظر شده متوجه می شویم که برای بررسی سعادت و شقاوت نفس از دیدگاههای مختلف هر کدام بطور جداگانه مقاله یا رساله و پایان نامه ای به رشته تحریر در آمده اما تابحال مقاله یا پایان نامه ای که موضوع این پژوهش یعنی سعادت و شقاوت نفس از دیدگاه ابن سینا و علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد. هر چند نگارنده ادعای استقرای تام را ندارد.

۳- پرسشها و فرضیات

دیدگاه ابن سینا درباره سعادت و شقاوت چگونه است؟

دیدگاه علامه طباطبایی درباره سعادت و شقاوت چگونه است؟

سوالات فرعی

معنای شقاوت و سعادت نفس چیست؟

آیا سعادت و شقاوت نفس ذاتی است یا اکتسابی (اختیاری)؟

از نظر ابن سینا سعادت انسان رسیدن انسان به کمال قوه عاقله و اتحاد با عالم عقول مجرده است. به نظر ایشان سعادت با لذت ارتباط می یابد، شقاوت نیز با رنج و الم مرتبط می گردد. اگر چه ایندو با یکدیگر اتحاد ندارند و از نظر علامه طباطبایی سعادت هر چیزی این است که به چیزی که برای وجود او خیراست، نایل شود؛ یعنی به چیزی که وسیله و مقدمه کمال اوست، برسد. بنابراین، سعادت درانسان که مرکب از روح و بدن است، خیری است که مقتضای قوای روحی و بدنی اوست، یعنی چیزی که به آن متوجع می شود و از آن لذت می برد. شقاوت نیز این است که از این خیر محروم شود. کلمه سعادت از (سعد) گرفته شده و به معنای رستگاری و یاری کردن آمده است اما در اصطلاح عبارت است از به چیزی که ذات شیء اقتضا می کند بدون وجود مانعی. و کلمه شقاوت از شقی گرفته شده و به معنای بد بختی و تیره روزی است اما در اصطلاح عبارت است از عدم رسیدن شیء به مقتضای ذاتی اش.

انسان موجود مختاری است سعادت و شقاوت نفس ارتباط مستقیمی با اختیار دارد انسان با اختیار خود یا راه سعادت را در پیش می گیرد و سعادت مند می شود و یا راه شقاوت را در پیش می گیرد و شقاوت مند می شود.

4- روش تحقیق

هنگام بررسی محتوای نظریه با روش تحلیل مفهومی، مفهوم آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا نظریه سعادت و شقاوت نفس از دیدگاه ابن سینا و علامه طباطبایی مرکب از مفاهیم متعدد است مانند مفهوم سعادت، شقاوت، نفس و... بنابراین در تحلیل مفهومی به دنبال تبیین مفاهیم سازنده در نظریه هستیم سپس با روش تحلیلی به تحلیل محتوای نظریه می‌پردازیم.

5- بررسی منابع

در این تحقیق سعی بر آن است که از آثار اصلی ابن سینا و علامه طباطبایی استفاده شود به ویژه تفسیر شریف المیزان و همچنین از مقاله ای تحت عنوان سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی و سعادت از دیدگاه ابن مسکویه و کتاب رساله نفس ارسطو استفاده خواهد شد.

6- ساختار پایان نامه

در این پایان نامه نخست به مفهوم شناسی سعادت و شقاوت نفس از نظر لغوی و همچنین به معنای اصطلاحی آنها (سعادت، شقاوت، نفس) در رهیافت فلسفی و اخلاقی پرداخته شده است.

در فصل دوم به مبانی تصدیقی بحث یعنی مسئله انسانشناسی و بحث روح و مجرد آن با توجه به مبانی فلسفی ابن سینا و علامه طباطبایی پرداخته شده است.

فصل سوم اختصاص دارد به بحث اصلی پایان نامه، یعنی سعادت و شقاوت نفس در فلسفه ابن سینا و علامه طباطبایی و سعی شده در این فصل به تطبیق نظرات ابن سینا و علامه طباطبایی پرداخته شود.

فصل اول

معنا شناسی سعادت

و شقاوت نفسی

۱- طرح مسئله

شناخت مفهوم و معنای موضوع پژوهش بسیار با اهمیت است از اینرو سعی شده قبل از پرداختن به مباحث دیگر یعنی مبادی تصدیقی بحث و همچنین بحث اصلی (سعادت و شقاوت نفس از نظر ابن سینا و علامه) مهمترین مفاهیم پژوهش: نفس، سعادت، شقاوت از نظر لغوی و همچنین از نظر اصطلاحی چه در رهیافت فلسفی و چه در رهیافت اخلاقی مورد بررسی قرار بگیرد تا ببینیم آیا بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی سعادت و شقاوت تناسب وجود دارد یا نه؟ و همچنین آیا در ماهیت و حقیقت مفهوم سعادت و شقاوت بین آنچه از فلاسفه و علمای اخلاق بیان شده با آنچه ابن سینا و علامه گفته اند تناسب هست یا نه؟ تا میزان تاثیر پذیری علامه و شیخ از پیشینیان مشخص شود. پس در ابتداء به بررسی مفهوم نفس از نظر لغوی و هم در اصطلاح فلاسفه ای همچون افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن سینا و... و علمای اخلاق همچون فاضلین نراقی و غزالی می پردازیم. و در ادامه مفاهیم سعادت و شقاوت را هم همینطور مورد بررسی قرار می دهیم.

۲- معنای لغوی و تعریف لفظی نفس

برای تحلیل معنای نفس و روشن شدن معنای اصطلاحی آن در نزد رهیافت های مختلف فلسفی و اخلاقی و میزان تناسب معنای اصطلاحی با معنای لغوی بررسی معنای لغوی نفس ضروری است تا در پرتو آن میزان تناسب معنای اصطلاحی با معنای لغوی روشن شود.

نفس در لغت به معنای جان، روح، روان و نشان دهنده زنده بودن است (دهخدا، ۱۳۵۹، ماده نفس، ص ۶۶۲). همچنین گفته شده: مراد از نفس همان روح است که حیات و هستی جسد و بدن وابسته به آن می باشد و به هر انسانی نفس اطلاق می گردد و حتی حضرت آدم (ع)، چه زن باشد یا مرد به هر دو نفس اطلاق می شود و به هر شیئی به ملاحظه ذاتش نفس شیء گفته می شود و نیز گفته می شود کسی که دارای نفس است یعنی صفات پسندیده داشته، دارای ذکاوت و سخاوت است.^۱ (مصطفوی، ۱۳۷۱: ۱۹۷)

نفس (بر وزن فلس) در اصل بمعنی ذات است. طبرسی ذیل وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ (بقره: ۹) فرموده: نفس سه معنی دارد یکی بمعنی روح دیگری بمعنی تأکید مثل «جائی زید نفسه» سوم بمعنی ذات و اصل معنای نفس همان ذات است. (طبرسی، ۱۴۱۶ق: ۱۳۳)

۳- نفس در اصطلاح

۱-۳) معنای نفس در رهیافت فلسفی

از آن جا که ابن سینا و علامه طباطبایی به عنوان دو فیلسوف برجسته مطرحند به نظر می رسد بررسی دیدگاه های فلاسفه برای روشن شدن معنای اصطلاحی نفس در اندیشه این دو فیلسوف ضروری می نماید تا میزان تأثیرپذیری آنان از پیشینیان مشخص شود سعی شده در این بخش به گزارش معنای نفس از دیدگاه فلاسفه ای همچون افلاطون، ارسطو، کندی،

^۱ «النفس: الروح الذى به حياة الجسد و كل انسان نفس حتى آدم(ع) الذكر و الانثى سواء و كل شیء بعینه نفس و رجل له نفس ای خلق و حلاوة و سخا...»

سهروردی و ... پیدازیم.

افلاطون : از نظرایشان نفس انسان جوهری مجرد می باشد این جوهر که قبل از پیدایش بدن وجود داشته است با حدوث بدن به آن تعلق می گیرد نفس و بدن دو جوهر متباین اند که از حین تکوّن بدن تا مرگ ، به نحوی باهم مرتبط می شوند افلاطون رابطه نفس و بدن را به رابطه ی راکب و مرکب، و رابطه ی پرنده ی محبوس در قفس و خود قفس تشبیه کرده است در نگاه او ، نفس با تفلسف یا همان فعّالیّت عقلانی از زندگی جسمانی نجات می یابد نفس اگر به مقام تفلسف رسیده باشد بعد از فلسفه یا فعّالیّت عقلانی از زندان بدن و عالم مادی رها می شود این نظریه را افلوپین نیز پذیرفته است. (فیروزجایی ، ۱۳۹۰ : ۱۲)

ارسطو : از نظر ارسطو «نفس» صورت بدن و «بدن» ماده ی نفس است و از ترکیب آن دو انسان به وجود می آید . (ارسطو ، ۱۳۷۸ : ۴۱۲) اما در نفس انسان قوه ای به نام «عقل» وجود دارد که دارای دو حیثیت فاعل و منفعل است عقل منفعل همان عقل مادی است که با مرگ بدن و متلاشی شدن آن فاسد می گردد ولی عقل فاعل واقعیّتی مجرد است که بعد از مرگ بدن باقی است. (همان : ۴۳۰)

وی در کتاب «درباره نفس» نفس را به «کمال اول برای جسم طبیعی که دارای حیات بالقوه است، یعنی برای جسم آلی» تعریف کرده است (ارسطو، ۱۳۷۸ : ۷۸). ایشان همچنین می گوید : نفس بالضروره جوهر است بدین معنا که صورت برای جسم طبیعی است که حیات بالقوه دارد . اما جوهر صوری ، کمال است بنابراین نفس کمال است برای جسمی که دارای